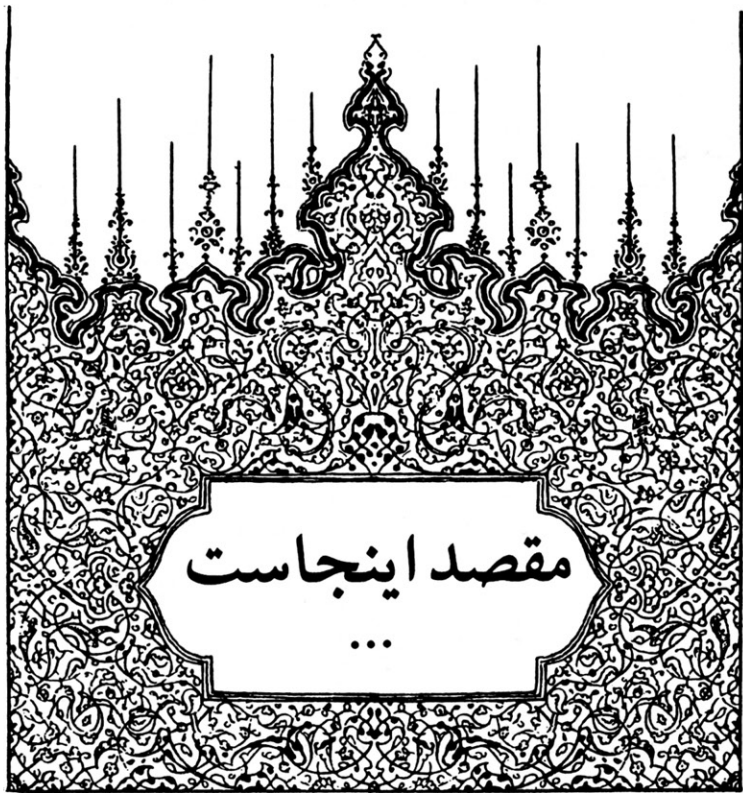


حج در آئینه ادب فارسی



خاقانی شروانی

خاقانی شروانی، افضل الدین ابراهیم بن علی (م ۵۸۲ هجری) از شاعران پرتوان و قصیده سرایان نام‌آور فارسی است. قصایدی پیرامون کعبه مقدس و روضه نبوی و سفر حج و شرح مراحل و مقامات معنوی این سفر دارد که به نامهای «نزهة الارواح و نزهة الأشباح» و «کنز الکران» و «باکورة الأثمار و مذکورة الأسحار» و... معروف است. از آنجا که شعر عمیق و بلند خاقانی در وصف مکه و کعبه و سفر حج، مفصل است، گزیده‌ای از قصیده «کنز الکران» او را از دیوان وی (ص ۱۰۱)، چاپ ۱۳۱۶ به تصحیح استاد علی عبدالرسول) به شما خوانندگان گرامی تقدیم می‌داریم:

مقصد اینجاست، ندای طلب اینجا شنوند
بُختیانرا ز جرس صبحدم آوا شنوند
خاکیانرا ز دل گرم روان آتش شوق
باد سرد از سر خوناب سویدا شنوند
خاک اگر گرید و نالد چه عجب کآتسرا
بانگ گریه زدل صخره صما شنوند

گریه آن گریه که از دیده آتش بینند
 ناله آن ناله که از سینه خارا شنوند
 چون بلرزد علم صبح بنالد دم کوس
 کوه را ناله تب لرزه چو دریا شنوند
 هرچه در پرده شب راز دل عشاقست
 کان نفس جز به قیامت نه همانا شنوند
 صبح شد هدهد جاسوس کز اووا پرسند
 کوس شد طوطی غماز کز اووا شنوند
 چون پیای علم روز سر شب ببرند
 چه عجب کز دم مرغ آه دریغا شنوند
 کشته شد دیو پیای علم لشکر حاج
 شاید ار تهنیت از کوس مفاجا شنوند
 از پی حرمت کعبه چه عجب کر پس از این
 بانگ دق الکوس از گنبد خضرا شنوند
 عرشیان بانگ «ولله علی الناس» زنند
 پاسخ از خلق «سمعنا و اطعنا» شنوند
 از سر و پای درآیند سراپای نیاز
 تا «تعال» از ملک العرش تعالی شنوند
 روضه روضه، همه ره باغ منور بینند
 برکه برکه همه جو آب مصفا شنوند
 اتجم ماه وش آماده حج آمده‌اند
 تا خواص از همه لبیک ثنا شنوند
 همه را نسخه اجزای مناسک در دست
 از پی کسب جزا خواندن اجزا شنوند
 خام پوشند و همه اطلس پخته شمردند
 زهر نوشند و همه نوش و هنیئا شنوند

سفر کعبه نمودار ره آخرت است
 گرچه رمز رهش از صورت دنیا شنوند
 جان معنی است باسم صوری داده برون
 خاصگان معنی و عامان همه اسما شنوند
 کعبه را نام به میدانگه عام عرفات
 حجره خاص جهان داور دارا شنوند
 عابدان نعره برآرند به میدانگه از آنک
 نعره شیردلان در صف هیجا شنوند
 عارفان خامش و سر بر سر زانو چو ملخ
 نه چو زنبور کز او شورش و غوغا شنوند
 سارابنا بویا بر تو که تعجیل نمای
 کز وفای تو به من شکر مویا شنوند
 بر در کعبه که بیت الله موجوداتست
 که مباهات امم زان در والا شنوند
 بار عامست و در کعبه گشاده است کز او
 خاصگان بانگ در جنت مأوا شنوند
 پس چو رضوان در جنات گشاید پاکان
 بانگ حلقه زدن کعبه علیا شنوند
 زان کلیدی که نبی نزد «بنی شیبه» سپرد
 بانگ پر ملک و زیور حورا شنوند
 بسلام آمدگان حرم مصطفوی
 «ادخلوها بسلام» از حرم آوا شنوند
 «النّبی، النّبی» آرند خلائق به زبان
 «امتّی، امتّی» از روضه غرا شونند
 از صریر در او چار ملایک به سه بعد
 پنج هنگام دم صور بیکجا شنوند

بر در مرقد سلطان هدی ز ابلق چرخ
 مرکب داشته را از ناله هرا شنوند
 موسی استاده و گم کرده ز دهشت نعلین
 «آرنی» گفتنش از نور تجلی شنوند
 بهر وایافتن گم شده نعلین کلیم
 «واضحی» خواندن خضر از در طاها شنوند
 بنده خاقانی و نعت سر بالین رسول
 تاش تحسین ز ملک در صف اعلا شنوند
 راویان کآیت انشاء من انشاء کنند
 بارک الله همه بر صاحب انشا شنوند